



گفت‌وگوی روزنامه صبا با سعید دشتی کارگردان فیلم سینمایی «بیلورد»

من به کار آسان اعتقاد ندارم

مهدیه مالکی
گفت‌وگو



سعید دشتی کارگردان فیلم سینمایی «بیلورد» که نخستین فیلم بلند خود را با رویکردی مستقل و مینیمالیستی ساخته، در گفت‌وگویی تفصیلی از دغدغه‌هایش برای پرداختن به سینما، رابطه مادر و دختر و چالش‌های فیلم‌سازی مستقل می‌گوید. او معتقد است روایت چندلایه، فیلمنامه منسجم و پرهیز از مسیرهای ساده، مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این پروژه بوده‌اند؛ فیلمی که با وجود ریشه‌های ایرانی، نگاهی جهان‌شمول به زندگی و دغدغه‌های یک هنرمند دارد.

این فیلم که از آثار مستقل حاضر در جشنواره به‌شمار می‌رود، با رویکردی معماگونه به سینما، خانواده و روابط انسانی می‌پردازد. کارگردان اثر با تأکید بر فیلمنامه‌محور بودن فیلم، از چالش‌های تولید مستقل، انتخاب بازیگران تئاتری و تلاش برای حفظ هویت شخصی فیلم در فضای سینمای امروز می‌گوید. در ادامه گفت‌وگو خبرنگار روزنامه صبا را با سعید دشتی می‌خوانید

○ چه چیزی در فیلمنامه برای شما جذاب بود که تصمیم گرفتید آن را بسازید؟

فیلمنامه از چند جهت برای من جذابیت داشت. نخست اینکه با یک اثر چندلایه و معماگونه روبه‌رو بودیم که روایت آن ساده نیست و مخاطب را به مشارکت فکری دعوت می‌کند. از سوی دیگر، فیلم به سینمای پرده‌پوش و می‌توان آن را نقدی بر جریان حاکم بر سینمای امروز دانست؛ موضوعی که به نظرم کمتر در آثار جشنواره‌ای به‌صورت مستقیم دیده می‌شود. البته این تنها وجه فیلم نیست و در کنار آن، به موضوعاتی مانند خانواده، فضای مجازی و تأثیر آن بر روابط انسانی نیز پرداخته شده است. برای من، رابطه مادر و دختر در مرکز روایت اهمیت ویژه‌ای داشت؛ رابطه‌ای که در بستر شرایط اجتماعی و شغلی شخصیت اصلی معنا پیدا می‌کند و همین مجموعه عوامل باعث شد ارتباط عمیقی با پروژه برقرار کنم.

○ به‌عنوان کارگردان، نقطه قوت فیلم را در جذب مخاطب چه می‌دانید؟

به نظر من، این موضوع را بیشتر مخاطب باید مشخص کند تا خود کارگردان. فیلم دارای لایه‌های مختلفی است و طبیعی است که هر مخاطب از زاویه‌های متفاوت با آن ارتباط برقرار کند. ممکن است همکاران و اهالی سینما بیشتر با لایه‌های سینمایی اثر ارتباط بگیرند و مخاطبان عام از جنبه‌های احساسی یا خانوادگی آن. واکنشی که مخاطب در مواجهه با فیلم نشان می‌دهد، مشخص می‌کند که از کدام منظر با اثر همذات‌پنداری کرده است. با این حال، معتقدم قصه فیلم جهان‌شمول است؛ یعنی با وجود اینکه ریشه در یک بستر ایرانی دارد، محدود به ایران نمی‌شود و می‌تواند در هر نقطه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد، چرا که درباره زندگی یک هنرمند و دغدغه‌های انسانی اوست.

○ درباره شرایط تولید فیلم توضیح دهید.

فیلم ما از معدود آثار مستقل حاضر در جشنواره است. در شرایطی که فیلم‌سازی، به‌ویژه برای فیلم‌اولی‌ها، از نظر تأمین سرمایه بسیار دشوار شده، این پروژه بدون اسپانسر و به‌صورت کاملاً خصوصی ساخته شد. سرمایه‌گذاری فیلم توسط آقای محمدرضا مصباح، تهیه‌کننده اثر، و چند دوست دیگر به شکل شخصی انجام شد. ما تلاش کردیم فیلم را با

حداقل هزینه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن بسازیم. در این مسیر، رویکرد مینیمالیستی و صرفه‌جویی در تمام بخش‌های تولید در دستور کار قرار داشت که با توجه به شرایط اقتصادی امروز، کار بسیار سخت و چالش‌برانگیزی بود.

○ ایده فیلم چگونه شکل گرفت و به فیلمنامه رسید؟

ایده اولیه از سوی من مطرح شد و آن را با نویسنده در میان گذاشتم. جالب اینکه او نیز طرحی در همین فضا داشت و همین هم‌سوایی ذهنی باعث شد در جلسات مشترک به یک قصه کامل برسیم. در نهایت، فیلمنامه توسط سامان زرهونه و صالح علوی‌زاده نوشته شد. پس از آماده شدن متن، پروژه را به تهیه‌کننده پیشنهاد دادم و خوشبختانه همراهی لازم از همان ابتدا شکل گرفت.

○ با توجه به اینکه فیلم، فضایی معمایی و چند موضوعی دارد، چرا برای اولین فیلم بلندتان سراغ یک کار ساده‌تر رفتید؟

من اصولاً اعتقادی به «کار آسان» ندارم. اگر به زندگی هم نگاه کنیم، هر مسیری که قرار است به نتیجه و موفقیت برسد، با سختی و رنج همراه است. با توجه به پیشینه‌ای که در تئاتر و فیلم کوتاه داشتم، ترجیح دادم برای اولین فیلم سینمایی‌ام سراغ کاری بروم که از نظر فکری، اجرایی و ساختاری چالش‌برانگیز باشد. من ذاتاً آدم ریسک‌پذیری هستم و احساس می‌کنم فیلمنامه‌هایی که از نظر تولیدی و فنی بیش از حد ساده‌اند، معمولاً در خروجی هم نتیجه قابل توجهی ندارند. برای من، کار سخت همیشه جذاب‌تر بوده است.

○ با توجه به سابقه‌تان در تئاتر، آیا از بازیگران تئاتری هم در فیلم استفاده کردید؟

بله، این موضوع برای من اهمیت زیادی داشت. در کنار بازیگران حرفه‌ای سینما

مانند آقای امین حیایی و خانم آناهیتا درگاهی، از بازیگران تئاتر نیز استفاده کردیم. تقریباً تمام نقش‌های مکمل فیلم که شامل شش تا هفت کاراکتر می‌شوند، توسط بازیگران تئاتری ایفا شده‌اند. حضور این بازیگران به باورپذیری فضا و کیفیت بازی‌ها کمک زیادی کرد و برای من تجربه‌ای ارزشمند بود.

○ چه ویژگی‌هایی باعث انتخاب این بازیگران شد؟

اگرچه با بسیاری از این دوستان سابقه همکاری تئاتری داشتم، اما مهم‌ترین معیار انتخاب، فارغ از دوستی‌های قدیمی، نزدیکی بازیگر به نقش بود. فیزیکی، چهره، نگاه، انرژی درونی و حسی که از بازیگر منتقل می‌شود، برای من اهمیت زیادی دارد. در میان بازیگران تئاتر گزینه‌های متعددی وجود دارد، اما آنچه تعیین‌کننده است، این است که بازیگر تا چه اندازه به نقشی که در ذهن داریم نزدیک باشد.

○ آیا در مسیر پیدا کردن تهیه‌کننده با چالش مواجه شدید؟

بله، قطعاً. ساخت فیلم اول در ایران شرایط بسیار سختی دارد و فرمول مشخصی هم برای آن وجود ندارد. یا فیلمنامه باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان از حمایت ارگان‌ها استفاده کرد، یا باید در بخش خصوصی سرمایه‌گذار پیدا کرد که با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، کار بسیار دشواری است. خوشبختانه آقای مصباح به واسطه شناخت قبلی و اعتمادی که از طریق فعالیت‌های تئاتری شکل گرفته بود، از پروژه حمایت کردند.

○ سخت‌ترین چالش کارگردانی این فیلم چه بود؟

مهم‌ترین چالش، کمبود زمان برای آماده‌سازی فیلم و رساندن آن به جشنواره بود. از آنجا که فیلم یک اثر شهری با تنوع و تعدد لوکیشن‌هاست، حجم کار در مدت زمان محدود بسیار بالا بود و همین موضوع فشار زیادی به گروه وارد می‌کرد.

○ چطور این چالش را مدیریت کردید؟

من حدود دو سال روی فیلمنامه کار کرده بودم و پیش از ورود به مرحله تولید، دکوپاژ دقیق و روشنی داشتم. کاملاً می‌دانستم از هر سکانس چه می‌خواهم و فضای فرمی و میزانشن آن چگونه باید باشد. همین آمادگی ذهنی و اجرایی باعث شد در مرحله فیلم‌برداری با سرعت بیشتری پیش برویم و زمان را بهتر مدیریت کنیم.

○ برای جذب مخاطب عام چه تمهیدی در نظر گرفتید؟

به نظر من، مهم‌ترین عامل جذب مخاطب، فیلمنامه است. اگر قصه درست و منسجم روایت شود، مخاطب آن را دنبال می‌کند. ما در مرحله ساخت تلاش کردیم ریتم و روایت به‌گونه‌ای باشد که مخاطب با فیلم همراه بماند. هرچند شرایط فعلی سینمای ایران چندان ایده‌آل نیست و ژانر کم‌دی به جریان غالب تبدیل شده، اما اتفاقاتی که در سال‌های اخیر افتاده نشان می‌دهد ذائقه مخاطب در حال تغییر است و دوباره به سمت سینمای اجتماعی تمایل پیدا کرده است.

○ به چه ژانری علاقه بیشتری دارید؟

دوست ندارم خودم را به یک ژانر خاص محدود کنم. احساس می‌کنم در وجود هر انسان، جهان‌ها و لایه‌های کشف‌نشده‌ای وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در موقعیت‌ها و ژانرهای مختلف به تصویر کشید. سینما دقیقاً به همین دلیل برای من جذاب است.

○ تجربه کارگردانی این فیلم چه جذابیتهایی برای شما داشت؟

این فیلم از نظر فضا و هویت، شباهت زیادی به آثار رایج سینمای امروز ندارد و همین ویژگی برای من بسیار جذاب بود. تجربه کار در تئاتر، به‌ویژه در میزانشن و مدیریت فضا، در برخی سکانس‌ها کمک بزرگی به من کرد و این تلفیق تجربه‌ها، برایم یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این فیلم بود.



کافه سلطان

نویسنده

مصطفی رزاق کریمی

تهیه‌کننده

مرتضی رزاق کریمی

کارگردان

سعید دشتی

بازیگران: آریتا حاجیان، محمدرضا شریفی‌نیا، سجاد بابایی

مریم مومن، شیوا مکینیان و سیاوش طهمورث

تهیه شده در دگافیلم

